



@fosselat

پایگاه رسمی

انسان شناسی (قسمت اول)

موضوع

[جایگاه انسان در عالم خلقت و ویژگی های آن]

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی



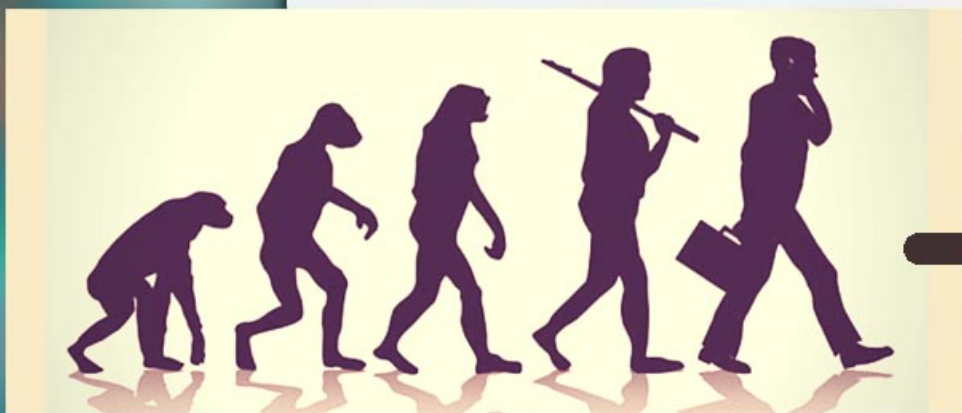
@fosselat

الف) جایگاه انسان در عالم خلقت

ب) ویژگی های انسان

ج) شناخت عظمت انسان

د) ابزار های شناخت انسان





@fosselat

انسان شناسی (قسمت اول)

موضوع

[جایگاه انسان در عالم خلقت و ویژگی های آن]

الف: جایگاه انسان در عالم خلقت

۱- آفرینش موجودات برای انسان

۲- انسان مورد تعظیم فرشتگان



هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... (بقره 29)

آن خداوندی که همه آنچه را در زمین است به سود شما آفرید

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ {جائیه 13}

[همه] آنچه را در آسمان ها و زمین است از جانب خودش به سود شما به کار گرفته است، بی تردید در این [امور] برای مردمی که اندیشه می کنند نشانه هایی [بر قدرت و ربوبیت و لطف خدا] است

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ.. {حج 65}

[ای انسان!] آیا ندانسته ای که خداوند آنچه را در زمین است و کشتی هایی را که به فرمان او در دریا روانند برای [بهره وری] شما به کار گرفته است،

وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ {ابراهیم 33}

و خورشید و ماه که [با برنامه منظم و حساب شده ای] درکارند، و نیز شب و روز را برای [بهره وری] شما مسخر کرد

حدیث قدسی: يَا بَنَ آدَمَ خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي

ای فرزند آدم، تمام اشیاء را برای تو و تو را برای خود آفریدم.

[مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۷۳]

- سجده بر آدم (ع)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ {اعراف 11}

همانا ما شما را آفریدیم، آن گاه صورتگری کردیم، سپس به فرشتگان گفتیم: بر آدم سجده کنید! بی درنگ همه سجده کردند مگر ابلیس که از سجده کنندگان نبود

- سجده بر بشر مخلوق پروردگار

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ {28} فَإِذَا
سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ {29} فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ
أَجْمَعُونَ {30} (سوره حجر)

چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من از گل خشک برگرفته از لجنی بدبو و تیره رنگ بشری می آفرینم «28» زمانی که [اندام] او را [متناسب و] موزون ساختم، و از روح خود در آن دمیدم در برابرش به سجده افتید! «29» همه فرشتگان یکسر سجده کردند «30»



@fosselat

انسان شناسی (قسمت اول)

موضوع

[جایگاه انسان در عالم خلقت و ویژگی های آن]

ب: ویژگی های انسان

۱- کرامت ذاتی و اکتسابی

۲- جانشین خداوند در زمین

۳- امانت داری

۴- دارای روح الهی

۵- دارای عقل و اختیار



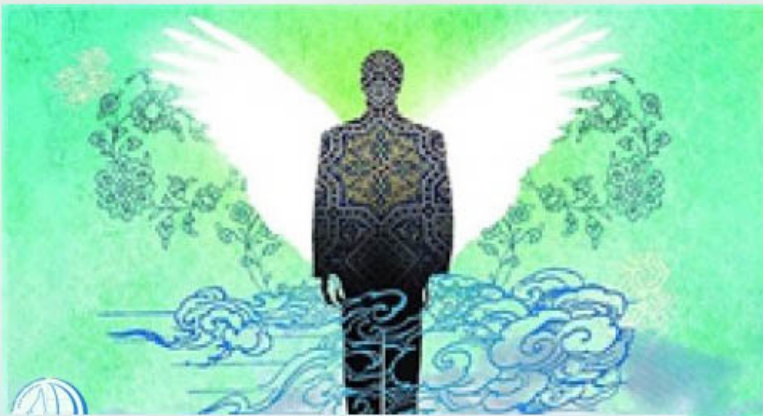


کرامت - در لغت معنای عامی دارد، هر چیزی را که در جای خودش برخوردار از شرافت و بزرگی باشد. به همین دلیل،

خداوند در باره گیاهان می فرماید: ... **فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ** (لقمان 10)
و از آسمان آبی [سودمند] فرستادیم و از زمین به وسیله آن هر نوع گیاه سودمندی رویاندیم

و درباره زراعت خوب و ماندگار می فرماید: **وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ** (دخان 26)
و نیز کشتزارها و جایگاهی با ارزش

=> اکرام و تکریم، چیزی است که به انسان نفعی و فایده ای برسد.



- اقسام کرامت:

الف) کرامت ذاتی

ب) کرامت اکتسابی

=> انسان می تواند واجد هر دو کرامت باشد.



@fosselat

ویژگی های انسان

ب

کرامت [ذاتی و اکتسابی]

۱

الف) کرامت ذاتی: کرامتی است که از عنایت ویژه پروردگار به انسان، نشئت گرفته و تمام انسان ها واجد این کرامت می باشند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین 4)

که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم

... ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مومنون 14)

سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم، خجسته و پُرخیر است خداوند که نیکوترین آفرینندگان است

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء 70)

مسئلاً فرزندان آدم را [با عطا کردن همه امکانات] گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مَرکب هایی که در اختیارشان نهادیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های دلپذیر روزی دادیم، و آنان را بر همه آفریده های خود برتری کامل و ویژه ای بخشیدیم

=> در این نوع از کرامت ذات انسان (بماهو انسان) با قطع نظر از دین و آیین، یا عمل و رفتار او، دارای کرامت است.



@fosselat

ویژگی های انسان

ب

کرامت [ذاتی و اکتسابی]

۱

ب) کرامت اکتسابی: در این نوع کرامت ارزش انسان به اعمال، رفتار و آیینی است که از آن پیروی می کند. به عبارت دیگر شرافت و حیثیتی که انسان، به صورت ارادی و از طریق استفاده بهینه از استعدادها و توانایی های خدادادی خویش، در مسیر رشد و کمال به دست می آورد. تنها انسان هایی به این کرامت دست می یابند که دارای جهان بینی صحیح باشند.

<- کرامت اکتسابی، همان کمالات وجودی است که بر اثر رعایت تقوای الهی و حرکت در مسیر عبودیت نصیب انسان می شود.

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ {39} وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ {40} (نجم)

و این که برای انسان جز آنچه تلاش کرده هیچ نصیبی نیست «39» و تلاشش به زودی [در قیامت] دیده خواهد شد «40»

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات 13)

ای مردم! ما شما را از مرد و زنی [آدم و حوا] آفریدیم، و ملت ها و قبیله ها قرارتان دادیم تا یکدیگر را بشناسید، به یقین، گرامی ترین شما در پیشگاه خداوند پرهیزگارترین شماست، به راستی خدا دانا و آگاه است

=> هر چه میزان تقوا افزایش یابد بر میزان کرامت افزوده خواهد شد

<- این جانشینی مختص شخص حضرت آدم (ع) نیست ، بلکه شامل همه انسانهاست . و حکایت از مقام ، ارزش و جایگاه تکوینی انسان در نظام هستی دارد :

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره 30)

و [به یاد آر] زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من قرار دهندهٔ جانشینی [با استعدادهای ویژه] در زمین هستم، گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می دهی که در آن به تبهکاری و فتنه انگیزی برخیزد، و دست به خون ریزی زند؟! درحالی که تو را پیوسته همراه با سپاست به پاک بودن از هر عیب و نقصی می ستاییم و تقدیس می کنیم. خداوند فرمود: من [از وجود این جانشین و مایه های کرامتش] اسراری می دانم که شما به آن آگاه نیستید

=> انسان از خداوند کمالاتی را نمایش میدهد ، و اسراری را تحمل میکند ، که در وسع و طاقت فرشتگان نیست .

- خلافت انسان در آیات دیگر

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ... (یونس 14)

سپس شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ... (انعام 165)

او کسی است که شما را در زمین جانشین [نسل های گذشته] قرار داد





إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (احزاب 72)

ما امانت را [که تکالیف و مسئولیت های اختیاری شرعی است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، و آن ها از به عهده گرفتنش [به علت نداشتن استعداد] سرباز زدند و از [پذیرفتن] آن ترسیدند، و انسان آن را به عهده گرفت، بی تردید او [به خاطر ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است

- پذیرفتن امانت از ویژگی های انسان است که همه موجودات جهان آفرینش از پذیرش آن سرباز زده اند.
- منظور از عرضه، نهادن در خمیر مایه و فطرت انسان است.
- آیه در مقام بیان خبر از مقام و ارزش گذاری است.

نکته: اوصاف ظلوم و جهول، در حقیقت نوعی تمجید است، چون اگر این انسان دارای وصفی است که میتواند فساد و خون ریزی کند و ظلوم و جهول باشد، یعنی قدرت انتخاب دارد و همه حالات خوب و بد برای او فرض است. و مانند فرشتگان معصوم نیست:

لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ (تحریم 6) که از آنچه خداوند دستورشان داده سرپیچی نمی کنند

و مانند آسمان و زمین و کوه ها هم نیست که:

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (آل عمران 83)

درحالی که هرکس در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم خداوند است، و همه را به سوی او بازمی گردانند



آفرینش انسان از آن رو نیکوتر است که روح پروردگار در آن دمیده شده است . اگر بعد جسمانی زمینی و خاکی است ، بعد معنوی و ملکوتی او الهی است :

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ (سجده 9)

آن گاه [اندام] او را موزون و معتدل ساخت و از روح خود در او دمید

وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (حجر 29)

و از روح خود در آن دمیدم در برابرش

=> روح انسان واقعیتی مجرّد و از جهان ملکوت است : یعنی آن روح مطلق به اذن پروردگار در انسان تجلّی نموده و به جهت شرافتی که روح انسان نسبت به روح دیگر موجودات دارد ، خداوند دمیدن این روح را به خودش نسبت داده است [المیزان ، ج ۱۳ ، ص ۱۹۸]

< امتیاز انسان نسبت به دیگر مخلوقات برخوردار از عقل است . عقل راهنمای آدمیان و غربال کننده مسائل است (تمییز و جدا کردن - سبک و سنگین کردن امور)

...فَبَشِّرْ عِبَادِ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر ۱۷ و ۱۸)

پس بندگانم را مژده ده ! « ۱۷ » هم آنان که سخن را می شنوند، و از بهترینش [که آنان را در سایه عمل به آن به حق می رساند] پیروی می کنند، اینانند که خداوند هدایتشان کرده، و اینان صاحبان خردند

< انسان در پوییدن راه هدایت و انجام دادن تکالیف خود تصمیم می گیرد:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ... (ملک ۲)

آن که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (كهف ۷)

ما آنچه را [از جماد، نبات، حیوان، دریا و دیگر آفریده ها] روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا مردم را آزمایش کنیم که کدامشان نیکوکارترند

< ارزش انسان به این است که میتواند کار بد انجام دهد ولی کار خوب انجام می دهد و به همین دلیل پاداش میگیرد و بر عکس

فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (كهف ۲۹)

پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند

< خداوند نخواست به صورت جبری در کارهای انسان دخالت کند ، بلکه خواسته ناظر و ممتحن اعمال او باشد

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (عنكبوت ۳)

< نتیجه اعمال خوب و بد : إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (اسراء ۷)



@fosselat

انسان شناسی (قسمت اول)

موضوع

[جایگاه انسان در عالم خلقت و ویژگی های آن]

ج: شناخت عظمت انسان

- ۱- اهمیت شناخت انسان
- ۲- شناخت انسان و جهان بینی
- ۳- بهره برداری حداکثری از زندگی دنیوی
- ۴- یافتن هویت انسان



شناخت انسان در واقع، شناخت ماهیت و حقیقت خویشتن است.

در آموزه های تمام ادیان الهی، شناخت انسان پس از خداشناسی بیشترین اهمیت را دارد. تا آنجا که یکی از اهداف اساسی انبیاء توجه دادن انسانها به خویشتن است.

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ [غررالحکم]

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ
إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده 105)**

ای مؤمنان! مراقب [ایمان و ارزش های معنوی] خود باشید! اگر شما هدایت یافتید گمراهی گمراه شده به شما زیانی نمی رساند، بازگشت همه شما به سوی خداست، پس شما را از آنچه انجام می دادید آگاه خواهد کرد «105»

جهان بینی: به مجموعه ای از عقاید کلی و هماهنگ درباره نظام هستی جهان بینی گویند .



جهان بینی به این پرسشها پاسخ می دهد :

- مبدا آفرینش چیست ؟

- حقیقت جهان هستی و انسان کدام است ؟

- مرگ چیست و جهان پس از آن چگونه است ؟ ...

شناخت انسان ارتباط محکمی با خداشناسی و جهان شناسی و معاد شناسی دارد .

=> اگر انسان دارای روح الهی و بعد معنوی باشد ، زندگی او منحصر به این دنیا نخواهد بود و از حیات ابدی و جاودانه برخوردار خواهد بود .

که چرا غافل از احوال دل خویشتم
به کجای روم آخرتایی و طنم

روزها فکر من این است و همه شب نختم
از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود

{ مولانا }

عمر انسان در زندگی دنیوی محدود است .

اینکه انسان در این مدت محدود چگونه زندگی کند تا از بیشترین منافع برخوردار گردد ؟

پرسش اساسی آدمیان است.

چیستی نفع و ضرر انسان تابع تفسیر ما از انسان است .

=> اگر انسان را برخوردار از حیات ابدی و زندگی در سرای آخرت بدانیم ، آنگاه تلاش انسان در این دنیا (برای

کسب منافع بیشتر) علاوه بر ابعاد مادی ، بر ابعاد معنوی و اخروی هم متمرکز خواهد بود

...فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ {۲۰۰}

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

{۲۰۱} أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ {۲۰۲} (بقره)

... گروهی از مردم [که از مواهب معنوی و از آثار پایدار جهان دیگر غافل هستند] می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [کالا و متاع و مال] عطا کن، درحالی که آنان را [به سبب این غفلت و کوتاهی نظری] در آخرت هیچ بهره ای نیست «200» و گروهی از مردم می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا از هرگونه خیر [و خوبی]، و در آخرت هم از هر نوع خیر [و ثواب] عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگهدار «201» اینانند که از دست آوردشان [از انجام مناسک و دعای خالصشان] بهره [عظیم و فراوانی] دارند، و خداوند در حسابرسی سریع است «202»

چگونگی شکل گیری شخصیت و هویت هر انسانی بسیار مهم است . انسان پیوسته با هویت خود زندگی کرده ، بر اساس آن انتخاب می کند ، تصمیم میگیرد و عمل میکند ، هویتی که در همه حال همراه اوست . هویت افراد تا حدّ زیادی تابع تصویری است که از انسان دارند .
 => اگر انسان را موجودی متعالی ، دارای فطرت پاک و انتخاب گر شیوه زندگی تعریف کنیم ، او را با هویتی دگر خواهیم یافت .

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (ذاریات 21)

و [این] در وجود خود شما [نشانه هایی است]، آیا [با چشم بصیرت] نظر نمی کنید؟

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا {۷} فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا {۸} قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

{۹} وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا {۱۰} (شمس)

و به نفس آدمی و کسی که آن را درست و معتدل ساخت! «7» پس زشت کاری و طریقه خودنگهداری از آن را به نفس شناساند «8» به راستی کسی که نفس را [از زشت کاری] پاک کرد [تا به رشد لایقش برسد]، [بر موانع راه سعادت] پیروز شد «9» و کسی که آن را [به زشت کاری] آلود بی گمان [از رشد و کمال و رحمت حق] محروم شد «10»



@fosselat

انسان شناسی (قسمت اول)

[جایگاه انسان در عالم خلقت و ویژگی های آن]

موضوع

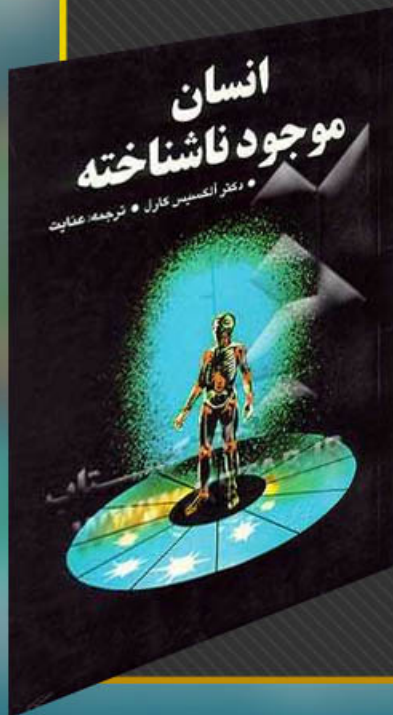
د: ابزارهای شناخت انسان

۱- راه حواس

۲- راه عقل

۳- راه شهود (مکاشفه)

۴- راه نقل (کتاب و سنت)



ابزارهای شناخت انسان [انسان موجود ناشناخته]

راه حواس : عمومی ترین ابزار شناخت است

آنچه با حواس ظاهری درک می شود صرفاً به عوارض اشیاء و ظواهر آن اختصاص دارد . شناختی که توسط حس به دست می آید ، شناخت به امور جزئی (شخصی) است . از طریق حس می توان نظم و هماهنگی دستگاه های بدن به یکدیگر را مشاهده نمود و پی به عظمت انسان برد .



شنوایی (سامعه)
لمسایی (لامسه)
بویایی (شامه)
چشایی (ذائقه)
بینایی (باصره)

ظاهری

تقسیم قوه حس (مدرکه)

"من فقد حساً فقد فقد علماً"

کسی که حسی را از دست بدهد ، علمی را از دست داده

حواس ظاهری و باطنی
اساس و پایه تمام معارف و
معلومات بشری هستند

باطنی : حواسی است که اطلاعات بسیاری را درباره نفس انسانها ، افعال و حالات و انفعالات آن در دسترس او قرار می دهند ، شناخت هایی در باره غم و شادی ، درد و لذت ، تصمیم و اراده ، کراهت و میل و ...

ابزارهای شناخت انسان [انسان موجود ناشناخته]

راه عقل: عقل نیروی ویژه ای است که اساسی ترین کار آن درک مفاهیم کلی است. بر خلاف حس که به امور جزئی اختصاص دارند.

تعریف ها و تحلیل هایی که برای مفاهیم ذکر می شود. یا استدلال هایی که برای اثبات پاره ای از قضایا اقامه می گردد و... معرفت هایی هستند که انسان با ابزار عقل به آنها دست می یابد. هندسه و دیگر علوم ریاضی که یقینی ترین معارف بشری هستند از طریق ابزار عقل انسان را به شناخت یقینی می رسانند.

دستیابی به شناخت در علوم فلسفی نظیر هستی شناسی، علم النفس یا روان شناسی فلسفی، فلسفه اخلاق و معرفت شناسی بر این ابزار مبتنی است

امام علی (ع): **إِنَّ أَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ** (حکمت 38 نهج البلاغه)

بالاترین سرمایه ها عقل است

- عاقل کیست؟

وَقِيلَ لَهُ صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ (حکمت 235 نهج البلاغه)

عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود قرار می دهد

قَالَ أَفْتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ {66} أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

أَفَلَا تَعْقِلُونَ {67} (سوره انبیاء)

گفت: [با توجه به این واقعیت] آیا به جای خداوند چیزهایی را می پرستید که هیچ سود و زبانی به شما نمی رسانند؟! «66» [واقعاً] اف بر شما و بر آنچه به جای خداوند می پرستید! [با این حال] آیا اندیشه نمی کنید؟ «67»

ابزارهای شناخت انسان [انسان موجود ناشناخته]

۳ راه شهود (مکاشفه)

@fosselat

راه شهود (مکاشفه) : به این معنا که انسان واقعیت را بدون واسطه و آن چنان که هست دریابد . از آن جا که این شناخت بی واسطه صورت می پذیرد ، از این رو ، فاقد خطا و اشتباه است ، هر چند ممکن است تفسیر و حکایت از مکاشفه دچار خطا شود . این نوع شناخت نیازمند مقدمات لازم و ریاضت است .

- برخی از بسیط ترین و همگانی ترین شناخت های شهودی که همه انسان ها دارند ، عبارت اند از :
- 1- شناخت انسان به خود ، هر کس به وجود خودش علم دارد
 - 2- شناخت قوای خود ، مانند قوای ادراکی ، تحریکی و تفکر و
 - 3- شناخت حالات نفسانی خود ، عواطف و احساسات ، مانند محبت ، عشق و ترس و شادی و ...
 - 4- شناخت به افعال بی واسطه یا جوانحی نفس خود ، نظیر اراده ، حکم ، تفکر و توجه و ...

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت 69)

کسانی که برای ما کوشیدند حتماً آنان را به راه های خود [که صراط مستقیم، راه کمال، بهشت و مقام قرب است] هدایت می کنیم، به راستی که خداوند با نیکوکاران است

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت 30)

یقیناً آنان که گفتند: پروردگار ما فقط الله است، سپس [در میدان تبلیغ توحید و عمل به خواسته های خداوند] ایستادگی کردند [و هر حادثه و رنجی را در این راه به جان خریدند]، فرشتگان [هنگام مرگشان] بر آنان نازل می شوند [و می گویند] که [از سرنوشت آینده خود] نترسید و اندوهگین نباشید، شما را بشارت باد به بهشتی که همواره به شما وعده می دادند!



@fosselat

د

ابزارهای شناخت انسان [انسان موجود ناشناخته]

۴

راه نقل (کتاب و سنت)

راه نقل (کتاب و سنت) : در فرهنگ اسلامی دو گنجینه عظیم معارف وجود دارد که شناخت ارزشمندی را در اختیار انسان میگذارد .

این دو گنجینه عظیم عبارتند از قرآن کریم و روایات و سنن پیشوایان معصوم (ع)

=> از باب نمونه به یک مورد از شناخت معرفتی که قرآن کریم در باره خلقت انسان بیان می دارد اشاره می کنیم :

- مراحل خلقت و رجعت انسان در قرآن [سیر هفتگانه]

اوست آن که شما را از خاک، بعد [از آن] از نطفه، سپس از علقه آفرید، آن گاه به صورت طفلی [از رحم مادران] بیرون می آورد، سپس [در راه رشد قرارتان می دهد] تا به اوج نیروی [جسمانی و عقلانی] خود برسید، آن گاه [زندگی و حیاتتان را تداوم می بخشد] تا سالمند شوید، برخی از شما پیش تر [از رسیدن به مرحله سالمندی] قبض روح می گردید، و [برخی زنده می مانید] تا به مدتی که مقرر است برسید، [این تحولات و تطورات وجودی شما که در برابر دیدگانتان قرار دارد] برای این [است] که [درباره مبدأ و معاد] اندیشه کنید

- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ
- 1- مِنْ تَرَابٍ
 - 2- ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ
 - 3- ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ
 - 4- ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا
 - 5- ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ
 - 6- ثُمَّ لِيَكُونُوا شُيُوخًا
 - 7- وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِيَتَّبِعُوا أَجَلًا مُسَمًّى



=> وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

(آیه 67 سوره غافر)